



افسانه سرداب چیست و آیا امام زمان(عج) از آنجا ظهور می کند؟/تا مردم عاقل نشوند، ظهور اتفاق نمی افتد

جهان بشریت وقتی به ثمر می رسد و میوه شاداب می دهد که انسان کاملی به عنوان «مهدی موجود موعود» عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند....

تا مردم عاقل نشوند، ظهور اتفاق نمی افتد/ گفتاری از آیت الله جوادی آملی

جهان بشریت وقتی به ثمر می رسد و میوه شاداب می دهد که انسان کاملی به عنوان «مهدی موجود موعود» عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، که وارث همه انبیاء و اولیای الهی است. برای چنین ظهوری و ظهور چنین ذخیره ای چندین شرط لازم است که قسمت مهم آنها شرایط تحصیلی است، نه حصولی. یعنی امت اسلامی باید آن شرایط فرهنگی را تحصیل کنند. نباید منتظر بود که آن شرایط خود به خود حاصل بشود تا وجود مبارک ولی عصر ارواحنا فداه ظهور کند؛ معنای «انتظار» تحصیل شرایط حضور و ظهور اوست. امتی منتظر مهدی موجود موعود (سلام الله علیه) است که شرایط ظهورش را فراهم بکند، وگرنه منتظر نخواهد بود!

1. اولین شرط، رشد فرهنگی امت اسلامی است؛ زیرا امام که معارف الهی را عرضه می کند، وقتی جامعه از رشد فرهنگی والائی برخوردار باشد، بهتر می فهمد، و بهتر دفاع می کند. نه خود گرفتار جهل و تجاهل خواهد شد، نه اجازه می دهد دیگران از جهل و تجاهل عوام یا عوام زده سوء استفاده کنند؛ این اولین وظیفه است.

2. دومین وظیفه شهامت و شجاعت است در اجرای متویات پیامبر گرامی اسلام علیه و علی آله آلاف التحیه و الثناء، که در حقیقت احکام و حکم الهی است. این دو اصل را به عنوان بهترین شرایط انتظار و تحصیل چنین شرایط، اسلام برای ما مقرر کرده است.

از وجود مبارک امام باقر (علیه السلام) رسیده است: وقتی ولی عصر ارواحنا فداه ظهور می کند که ذات اقدس إله لطفی نسبت به امت انسانی و اسلامی داشته باشد، و دست مرحمت إله بر بالای سر امت اسلامی کشیده بشود، که عقل اینها و اندیشه اینها کامل باشد؛ اینها اندیشوران فرزانه خواهند بود، و خردمندان متبحر و حکیم. آنچه که در جامعه اسلامی می گذرد و حکومت می کند، «فرهنگ دینی» است. با این رشد مردم شرایط علمی ظهور حضرت را فراهم کرده اند. طبق این روایتی که از امام باقر (علیه السلام) رسیده است؛ تا مردم عاقل نشوند، معارف دین را درست نشناسند، و معنای امامت را درست ارزیابی نکنند، توفیق انتظار ولی عصر ارواحنا فداه نصیب آنها نخواهد شد.

دومین شرط که مربوط به مدیریت و مدیریت و شجاعت در اجرای احکام الهی است، بیانی است که باز از وجود مبارک امام باقر (سلام الله علیه) رسیده است که یاران راستین ولی عصر و اصحاب آن حضرت، اجری من لیث و امضی من سینان؛ یعنی از شیر شجاع تر، و از نیزه تیزترند. پس اگر از نظر رشد فرهنگی به آن نصاب راه یافتند، و از نظر شهامت و شجاعت به این نصاب بار یافتند؛ آنگاه شرایط ظهور را تحصیل کرده اند.

انتظار کسی که بشارت دهنده آینده آرمانی است/ گفتاری از امام موسی صدر

امام دوازدهم، همان گونه که می دانید، امام منتظر است. ما در انتظار ظهور آن حضرتیم، تا جهان را، پس از فرورفتن در ظلم و جور، آکنده از عدل و قسط کند. اندیشه ظهور مهدی به شیعیان اختصاص ندارد. این عقیده در کتب روایی همه مذاهب اسلامی یافت می شود. صدها و هزاران روایت دلالت بر این دارند و ثابت می کنند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می گرداند، چندان که مردی از اهل بیت من، هم نام و هم کنیه من، ظهور کند و زمین پر از ظلم و بیداد را از عدل و قسط پر کند.»

این حدیث در همه مذاهب اسلامی متواتر است. پس این اندیشه به مذهب خاصی در اسلام اختصاص ندارد. این نظریه ای فراگیر و عمومی است. انتظار منجی، انتظار روح حق و انتظار حادثه ای عظیم در همه مذاهب و ادیان وجود دارد و همه دین داران به این نظریه اعتقاد دارند.

این اندیشه از حوزه فعالیت های دینی فراتر می رود و فعالیت های علمی را نیز شامل می شود. هرگاه به تلاش انسان ها در حوزه های گوناگون نظری بیندازیم، مشاهده می کنیم که در همه عرصه ها، همچون علم و فلسفه و ادبیات و تجارب اجتماعی، نظامها و مقررات، رو به کمال دارند و در همه مسائل زندگی به سوی اوضاع و احوال برتر پیش می روند. گرچه آدمی گاهی

می‌لغزد و گاه اشتباه می‌کند و منحرف می‌شود، این لغزش‌ها، در حرکت اصلی زندگی بشر و در روند کلی آن، اموری جزئی‌اند.

بشر از ابتدا در حال تکامل و ترقی و تعالی بوده و به سوی بهتر شدن گام برداشته است. بشر مطمئن است که وضعیت برتر برای او امکان‌پذیر است و از همین رو، برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. اگر، آن‌گونه که برخی اعتقاد دارند، بشر رو به سقوط و نابودی داشت یا جهان در حال پس‌رفت و حرکت قهقرایی بود و در امور مختلف به وضع نامطلوب‌تر راه می‌پیمود، انسان، با امید و قدرت و ایمان، برای آینده تلاش نمی‌کرد. زنجیره مستحکم علم از حوزه‌های مختلف علمی و نظام‌های اجتماعی می‌جوشد.

تلاش‌هایی که برای تجربه‌اندوزی در حوزه‌های اجتماعی و نیز در نجوم و ساخت ابزار و وسایل و عرصه حمل‌ونقل صورت می‌گیرد، همه و همه، آینده بهتر را نوید می‌دهند؛ آینده‌ای که در آن، همه افراد بشر توان و امکانات و شایستگی خود را برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه به کار می‌گیرند. در حال حاضر، تنها بخشی از توان انسان یا به تعبیر بهتر، بخش اندکی از توانایی بشر در راه زندگی به کار می‌رود و بخش عمده استعدادها معطل مانده و، همچنین، اغلب افراد همواره خارج از گود هستند و توان و شایستگی آنان صرف تأمین زندگی و سعادت انسان نمی‌شود.

هر یک از ما، در هر حوزه‌ای از حوزه‌های انسانی، برای رسیدن به قله در تلاش است. اما کدامین قله؟ قله آن است که همه انسان‌ها با تمام شایستگی‌ها، نه فقط با توان مادی یا فکری، در راه خیر و صلاح بشر تلاش کنند. شکی نیست که این نظام، همانند آرزویی، بر فکر و اندیشه هر انسان تلاشگری سایه افکنده است.

بنابراین، آینده بهتر و آرمانی همان چیزی که از دوران افلاطون رؤیا بوده است و آن را «مدینه فاضله» می‌گفتند، این آینده و این جامعه آرمانی، که همه توانایی‌ها و همه فرزندان بشر در ساختن آن مشارکت داشته باشند، آرزوی همه انسان‌هاست. عقیده شیعیان به امام مهدی (عج) در حقیقت، انتظار فردی است که برانگیزاننده و بشارت‌دهنده این آینده است؛ آینده‌ای که آرزوی همه و آینده همه است.

افسانه سرداب چیست و آیا امام زمان از آنجا ظهور می‌کند؟/ نوشتاری از مرحوم استاد علی دوانی

غالب علمای عامه - چه متعصب و چه منصف - ضمن بیان اوصاف مهدی صاحب الزمان، او را «صاحب سرداب» نامیده و گفته اند که شیعه می‌گوید امام آنها در سرداب غایب شده است و در آنجا به سر می‌برد و از سرداب بیرون خواهد آمد.

محدث عالی مقام، حاج میرزا حسین نوری در کتاب کشف الاستار می‌نویسد: «ما هر چه مراجعه کردیم و تفحص نمودیم از آنچه درباره سرداب گفته اند (آن هم درباره سرداب سامره، تا چه رسد به سرداب حله) چیزی ندیدیم! در احادیث اصلا از سرداب ذکری به میان نیامده است.»

مرحوم آیت الله صدر نیز در کتاب المهدی در این خصوص می‌نویسد: «آنچه در این باره بعضی از عوام شیعه می‌گویند و بسیاری از خواص اهل سنت به ما نسبت می‌دهند، من نه مدرکی برای آن می‌شناسم و نه سندی یافته‌ام!»

اکنون ببینید ابن خلدون، دانشمند بزرگ عامه، در کتاب مشهور خود "مقدمه" آنجا که از "اثنا عشریه" نام می‌برد، چه می‌نویسد: «آنها عقیده دارند که دوازدهمین امام از ائمه ایشان یعنی محمد بن الحسن العسگری که او را مهدی می‌خوانند، وارد سرداب خانه خود در حله شد و هنگامی که مادرش بازداشت شد، همان جا غایب گردید. آنها تا کنون منتظر او هستند و هر شب، بعد از نماز مغرب، اسبی را می‌آورند و جلوی در سرداب مزبور می‌ایستند و او را به نام صدا می‌زنند و از وی می‌خواهند که خروج کند. آن گاه ستارگان که به درآیند، پراکنده می‌شوند و این کار را موکول به شب آینده می‌کنند و تا کنون آنها چنین اند.»

دانشمند بزرگوار فقید، حاج شیخ عبدالحسین امینی در کتاب گرانقدر "الغدیر" آنجا که تهمت های «قصیمی» مولف کتاب "الصراع بین الاسلام والوثنيه" را پاسخ می‌گوید، می‌نویسد: «داستان عجیب سرداب زشت ترین نسبتی است که به ما داده اند. هر چند قصیمی در دادن این نسبت ناروا تنها نیست ولی او افزون بر آنچه سابقین گفته اند، نوشته است: "بیش از هزار سال است که آنها هر شب در مقابل سرداب می‌ایستند و منتظر ظهور هستند"، در صورتی که شیعه نمی‌گوید غیبت امام زمان در سرداب انجام گرفته است یا از آنجا ظهور می‌کند، بلکه مطابق احادیث رسیده معتقدند که امام غایب آنها در مکه معظمه مقابل کعبه ظهور می‌کند. هیچ کس نگفته است در سرداب به سر می‌برد، یا سرداب محل غیبت آن حضرت است، بلکه سرداب سامره جزو خانه ائمه بوده و مانند سایر قسمت های خانه احترام دارد.»

سپس مرحوم امینی می‌افزاید: «کاش این مفتریان درباره سرداب نظر واحدی اظهار می‌داشتند تا دروغ آنها موجب این همه

رسوایی نمی شد. مثلاً ابن بطوطه در سفرنامه اش می نویسد که این سرداب در حله است، و قهرمانی در "اخبارالدول" می گوید که در بغداد است، و دیگران گفته اند که در سامره است و قصیمی آمده و حیران شده که بگوید کجاست و لذا اکتفا نموده به سرداب تا منظور پلید خود را بیوشاند.»

دانشمند فقید، سید محمد سعید هندی مولف کتاب "الامام الثانی عشر" پیش از آن که مطالب گذشته را نقل کند، در آغاز تخطئه تهمت سرداب به شیعه می نویسد: «موضوع سرداب از نسبت های ناروا و شگفت آوری است که به ما داده اند، زیرا نه یک حدیث از طریق شیعه در این خصوص وجود دارد، نه مخالفان به نام کتابی از شیعه اشاره می کنند که در آن نوشته شده باشد، و نه دانشمندی از ما را ذکر می کنند که گفته باشد و از وی نقل نمایند! از اینها گذشته، غیبت در سرداب و بقای حضرت در آنجا در هیچ کتاب شیعه نیست.»

البته باید دانست که در بعضی از کتب ادعیه و غیره اسم سرداب سامره و بعضی از دعاها و زیارت ها آمده است، ولی نباید فراموش کرد که آنها متکی بر حدیث نیستند. چون سرداب یادگار خانه امام حسن عسگری(ع) است که آخرین بار امام زمان را در آنجا دیده اند، از این نظر دعاها و زیارت ها را در آنجا می خوانند.

چرا با شنیدن نام قائم، تمام قد می ایستیم؟/ تفسیری از آیت الله طالقانی

یکی از اعمالی که در بین شیعیان مرسوم و معمول بوده است، این است که چون نام «قائم» (عج) در جایی برده می شود، اهل مجلس، بلند می شوند. اگر چه دلیلی مسلم بر واجب بودن ایستادن در هنگام ذکر این لفظ وجود نداد اما در این حد می توان گفت که این امر در بین مردم، به عنوان یک عمل مستحب، ریشه ای مذهبی دارد و در حقیقت، اظهار ادب و احترام به آن امام عزیز است.

چنانکه نقل شده: حضور امام رضا (ع) در خراسان کلمه «قائم» ذکر شد، حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه» خداوندا! بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان!

و از روایتی چنین استفاده می شود که این رفتار در عصر امام صادق (ع) نیز معمول بوده است. از حضرت صادق (ع) سوال شد: علت قیام در موقع ذکر «قائم» چیست؟ حضرت فرمود: صاحب الامر غیبتی دارد بسیار طولانی، و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را به لقب قائم - که مشعر است به دولت کریمه او، و اظهار تأثیری است از غربت او - یاد کند، آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهد نمود؛ و چون در این حال، مورد توجه امام واقع می شود سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و از خدا تعجیل در فرجش را مسئلت نماید.»

این دستور قیام، شاید (فقط) برای احترام نباشد، و الا باید برای خدا و رسول و اولیای مکرّم دیگر هم به قیام احترام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است... این همه فشار و مصیبت، از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی، تا جنگ های صلیبی و حمله مغول و اختناق و تعدیل های دولت های استعماری، بر سر هر ملتی وارد می آمد، خاکسترش هم به باد فنا رفته بود؛ لیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم» مؤسس دولت حقه اسلام برده می شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد.